

دمی در محضر مولا با نظری مختصر به کتاب شریف

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

احدی را توان آن نیست که از مقام عظمای حجّت مطلقه الهی، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) سخن بگوید چرا که به بیان و فرمایش رسول حق و پیامبر خاتم (ص): «تو را نشناخت احدی مگر خدا و من. و اگر نه چنین بود که دربارهاست همچون عیسی (ع) غلو می کردند حدیثی در فضل و منقبت تو می گفتم که مردمان با شنیدن آن خاک قدمت را به جهت شفا و تبرک ببرند و توتیای دیدگان خود کنند».

از روزی که یاران گرامی پیامبر (ص) فضائل علی (ع) را از آن حضرت می شنیدند آنها را در صفحه دل نقش می کردند و یا در فرصتهای مناسب مانند سایر احادیث آن حضرت یادداشت می نمودند و آن گاه در شرایط مناسب و گاه حتی بسیار سخت روایت می کردند و نسل به نسل به یادگار می نهادند.

و در طول تاریخ اسلام هر یک از صاحبان اندیشه و درایت، در خور توان و ظرفیت خویش و نه در حدّ مقام والای انسان کامل، فرزند کعبه، علی بن ابی طالب (ع) بیاناتی ایراد داشته اند و برخی از ایشان که دستی بر قلم داشته توانسته اند بر مرکب راهوار مدح و ثنای حضرتش سوار گشته با قطره های مرگب و جوهر گوشه ای از ذهنیات خویش را قلمی کنند و از این طریق اندوخته ای برای خود باقی گذاشته اند و هر یک از دیدگاه و منظری خاص آن مظهر فیض الهی را مورد توجه قرار داده اند، گرچه

گوهر پاک وی از مدحت ما مستغنی است

فکر مشاطه چه با حُسن خداداد کند در کمیت این کتب و کیفیت آنها اندیشمندان نظرات مختلفی بیان داشته اند، تا بدان جا که به جرأت می توان گفت که کمتر عنوانی است که بتواند با آن (مجموعه کتابهای مستقل راجع به امیرالمؤمنین (ع) و نیز کتابهایی که در آنها ذکر بسیار از آن وجود مقدّس آمده) ادعای برابری داشته باشد.

از این میان کتاب: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) تألیف حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد رحمانی همدانی* است. اصل کتاب به زبان عربی و دارای عنوان: الامام علی بن ابی طالب (ع) من کُتبه عنوان الضحیفة است که اولین بار در پاییز ۱۳۶۶ به زیور طبع آراسته گردید.

این اثر دارای قسمتهای زیر است:

- تقریظی از محقق کوشا استاد علی اکبر غفاری
- اهداء
- پیش درآمد
- مقدمه مؤلف

□ چهار باب که باب اول آن مناقب امیر مؤمنان

● محمد علی سرخه ای

■ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

■ حاج شیخ احمد رحمانی همدانی

■ ترجمه حسین استاد ولی

■ انتشارات صدوق

■ قطع وزیری / ۶۱۲ صفحه / ۲۰۰۰ نسخه

عَلِي
ابن ابی طالب
امیرالمؤمنین

مؤلف: احمد رحمانی همدانی

مترجم: حسین استاد ولی

درخت آفریده؛ من تنه آن درخت هستم و علی شاخه اصلی آن و فاطمه محل باروری آن و حسن و حسین میوه آن. و آن کس که به شاخه ای از شاخه های این درخت درآویزد نجات می یابد، و هر که از آن منحرف شود سرنگون گردد. اگر بنده ای میان کوه صفا و مروه (در مقدّس ترین مکانها) هزاران سال خدا را عبادت کند، و دوستی ما خاندان را در نیابد خداوند او را به رو در آتش (دوزخ) اندازد.

تاریخ دمشق ابن عساکر ۱۲۲/۱، شواهد التنزیل

حسکانی ۱۴۱/۲

قال رسول الله

خلق الله الانبياء من اشجار شتى، و خلقني وعلياً من شجرة واحدة، فانا اصلها، وعلی فرعها، وفاطمة لقاحها، والحسن والحسين ثمرها، فمن تعلق بغصن من اغصانها نجا، و من زاغ هوى. ولو ان عبداً عبد الله بين الصفا والمروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام، ثم لم يدرك محبتنا أهل البيت لاكتبه الله على منخره في النار. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

خداوند پیامبران را از درختهای گوناگون آفرید، و من و علی را از یک

حضرت علی(ع) در بیست و چهار فصل؛ باب دوم، بعضی از دلایل برتری ائمه(ع) بر دیگران مستند به آیات قرآنی و برخی از احادیث در هشت فصل؛ باب سوم، امام علی(ع) در چهار منزل از منازل آخرت در چهار فصل و باب چهارم درباره شخصیت شگفت‌انگیز و تاریخ زندگانی امام از خانه کعبه تا مسجد کوفه در سی فصل می‌باشد.

«... در این کتاب مؤلف محترم آنچه در توان داشته جهت حفظ کتاب از تأثیر تعصبات بی‌منطق گروهی و اجتناب از منازعات و مشاجرات بی‌حاصل فرقه‌ای به کار گرفته است.»

چاپ اول این کتاب مورد استقبال علما و فضلا قرار گرفت و در مدتی کوتاه نسخ آن نایاب گردید.

سپس این کتاب در بیروت (لبنان) به طریق افسست به چاپ مجدد رسید و پس از مدتی از متن اصلی به زبان اردو برگردان شده و مورد استفاده برادران علاقه‌مند پاکستانی قرار گرفته است.

چاپ سوم کتاب توسط مرکز فرهنگی - انتشاراتی منیر در سال ۱۳۷۵ در ۸۱۰ صفحه قطع وزیری و جلد گالینگور به شمارگان ۵۶۰۰ نسخه با کیفیتی بسیار والا، حروف‌نگاری جدید، صفحه‌بندی مناسب، رعایت دقیق بایها و سرفصلها همراه با اضافاتی به شرح ذیل صورت پذیرفته است:

الف - افزودن باب پنجم در لعن بر دشمنان امام(ع) ب - افزودن استدراک بر فصلهای ۶، ۹، ۱۹، ۲۲ و ۲۴ باب اول؛ فصل ۸ باب دوم؛ فصل ۱ باب سوم و نیز بر فصلهای ۴، ۱۶، ۱۷، ۲۷ و ۳۰ باب چهارم.

ج - افزودن مقدمه ناشر

د - اصلاح فهرست مندرجات.

پس از آن به واسطه نیازی که احساس می‌شد نسبت به برگردان این کتاب اقدام گردید.

برگردان فارسی (براساس چاپ دوم عربی) این کتاب توسط محقق گرانمایه آقای حسین استاد ولی** در کیفیتی مناسب در سال ۱۳۷۶ در ۱۰۴۰ صفحه قطع وزیری و جلد گالینگور به شمارگان ۵۰۰۰ نسخه توسط مرکز فرهنگی - انتشاراتی منیر انجام شد (که مورد بحث این مقال است).

حضور فعال مترجم محترم که (با توجه به سوابق قلمی ایشان) ویراستاری متن عربی (چاپ اول) را نیز بر عهده داشته‌اند، در کنار مؤلف گرانسنگ، کتاب را هرچه پربارتر نموده است.

آنچه در این برگردان افزون بر اضافات چاپ دوم عربی اضافه شده، عبارت است از:

الف - مقدمه مشروح ناشر

ب - فهرستی مفصل شامل شخصیتها، کتب،

◀ در این کتاب، مؤلف محترم آنچه در توان داشته جهت حفظ کتاب از تأثیر تعصبات بی‌منطق گروهی و اجتناب از منازعات و مشاجرات بی‌حاصل فرقه‌ای به کار گرفته است.

◀ ویژگی این کتاب، بیان و پردازش فضائل معنوی امام علی(ع) است نه پرداختن به تاریخ مفصل زندگانی ایشان و نه نصوصی که در اثبات امامت ایشان به کار می‌رود.

اماکن، وقایع، قبایل و گروهها؛ آیات و فهرست کامل مندرجات که در انتهای کتاب آمده است.

چنانکه گفتیم کتابهایی که در معرفی امام علی بن ابی‌طالب(ع) و سیره و تاریخ زندگانی حضرتش نوشته شده بیش از حد شمار است و هر یک از ویژگیهای خاص خود برخوردار است.

ویژگی این کتاب که در پنج باب و فصلهای متعدد ترتیب یافته، بیان و پردازش فضائل معنوی امام(ع) است نه پرداختن به تاریخ مفصل زندگانی ایشان و نه نصوصی که در اثبات امامت ایشان به کار می‌رود.

اساس کتاب بر نقل روایات و سخن بزرگان است ولی مباحث عقلی، کلامی، تفسیری و پاسخ به برخی شبهات نیز به مناسبت در میان آمده است.

از امتیازات این کتاب آنکه:

مؤلف گرامی در ضمن مطالعات گسترده به مواردی برخورد که حاکی از آن بوده که دست تحریف و پوشاندن حقایق به برخی کتابهای برادران اهل سنت دراز گشته و ایشان با دقت و وسواس و به واسطه روحیه تحقیق و دلسوزی علمی، آن موارد را یادداشت و به مناسبت ذکر کرده است.

در این کتاب ۲۲ مورد تحریف متون، ۴ مورد از تحریف شخصیت‌های شیعی، ۶ مورد از تحریف شخصیت برخی از بزرگان اهل سنت و ۷ مورد تحریف در شخصیت دشمنان علی(ع) آورده شده که دقت در این

بخش به خواننده توصیه می‌گردد.

از باب نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

صحیح بخاری: در حدیث جواز مُتعه(ازدواج موقت) آمده: ما با رسول خدا(ص) به جنگ می‌رفتیم زنان همراه ما نبودند، (به رسول خدا) گفتیم: آیا خود را اخته نکنیم؟ حضرت ما را از این کار نهی کرد، سپس اجازه فرمود که زنی را با مهر یک پیراهن تا مدتی معین مُتعه کنیم. سپس عبدالله (ابن مسعود) این آیه را خواند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برایتان حلال کرده حرام نکنید، و از حد نگزیدید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد». این حدیث را گروهی از محدثان و مفسران و فقها با همین متن از بخاری روایت کرده‌اند، ولی متن موجود در صحیح بخاری متداول جزء ۶، ص ۵۳ در دو مورد با متن فوق اختلاف دارد: ۱- حذف کلمه ابن مسعود از سند حدیث - در حالی که بیشترشان آن را آورده‌اند - زیرا وی متعه را جایز می‌دانسته؛ و این حذف به خاطر آن است که قرینه‌ای وجود نداشته باشد که مراد از این روایت جواز نکاح متعه و رخصت در آن است. ۲. حذف کلمه اِلٰی اَجَلٍ (تا مدتی معین)، زیرا این تعبیر صریحاً رخصت در نکاح متعه را می‌رساند چنانکه شارحان چنین فهمیده و همین‌گونه تفسیر کرده‌اند، زیرا رخصت در این نوع نکاح ناگزیر رخصت در نکاح متعه است نه نکاح دائم؛ به ویژه آن که مراد از جمله «زنان همراه ما نبودند» زنان و همسران خودشان بوده نه هر زنی وگرنه رخصت در نکاح در آن شرایط معنا نداشت. تأیید این مطلب آنکه در برخی مصادر چنین آمده: «زنان ما نبودند (یا ما را زن نبود)». و چون این روایت دلالت بر نکاح متعه دارد چندی از فقهای اهل سنت (جواز این نکاح را به سبب روایات دیگری که دال بر تحریم آن است منسوخ دانسته‌اند، ولی چون به دلایلی استدلالشان کامل نبوده و نتوانسته‌اند تحریم آن را اثبات کنند، دست به تحریف زده و این روایت را از صورت صحیح خود تغییر داده‌اند.

سپس صورتی از نام محدثان و مفسران و فقهای صحیح حدیث مذکور را به صورت صحیح آن از بخاری روایت کرده‌اند، آمده است. و مورد دیگر:

صحیح ترمذی: علامه حلی رحمه‌الله گوید: در صحیح ترمذی گوید: درباره متعه (ازدواج موقت) از ابن عمر سؤال شد، گفت: حلال است. پرسش‌کننده که از اهل شام بود گفت: پدرت از آن نهی کرد! ابن عمر گفت: اگر پدرم از آن نهی کرد رسول خدا(ص) آن را وضع کرد؛ آیا دست از سنت برداریم و از سخن پدرم پیروی کنیم؟ این حدیث را با عین



همین متن، شهید ثانی در شرح لمعه ۲۸۳/۵ در باب نکاح متعه نقل کرده جز آنکه به جای «رسول خدا آن را وضع کرد»، «رسول خدا آن را سنت نهاد» آورده است. و نیز همین حدیث در جواهرالکلام ۱۴۵/۳۰ در باب نکاح منقطع و شرعی بودن آن در اسلام به نقل از صحیح ترمذی آمده است. اما در صحیح ترمذی در باب «آنچه درباره نکاح متعه رسیده» دو حدیث به شماره‌های ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ موجود است که دلالت بر حرمت نکاح متعه دارند و اثری از این حدیثی که بزرگان علما نقل کرده‌اند در آن به چشم نمی‌خورد.

امتیاز دیگر کتاب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) آن است که در کتابهای عمومی در دسترس همگان کمتر به مقامات عالی و اختیارات آن حضرت در عالم غیب، بر بالین مختصر، برزخ و قیامت پرداخته شده و این کتاب به بیان مشروح آنها دست یازیده با تکیه به نقل روایات تا اندازه‌ای پرده از چهره آن گرامی در این موافق برداشته است که به مواردی ذیلاً اشاره می‌گردد:

عزیزان مروان می‌گویند: کسی که از امام صادق (ع) شنیده بود برایم گفت که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند که تنها عمل شما پذیرفته می‌شود و تنها شما آمرزیده می‌شوید. فاصله‌ای میان یکی از شما و موجبات شادی و سرور و روشنی چشمش نیست جز آنکه جانش به اینجا برسد - و اشاره به گلولی مبارک نمود - چون آن لحظه فرارسد و به حال احتضار درآید رسول خدا (ص) و علی و جبرئیل و ملک الموت (ع) نزد او حاضر می‌شوند؛ علی (ع) به او نزدیک شده گویند: ای رسول خدا، این شخص ما خاندان را دوست می‌داشته شما هم او را دوست بدارید. رسول خدا (ص) گویند ای جبرئیل، این شخص خدا و رسول و خاندان او را دوست می‌داشته تو هم او را دوست مدار. جبرئیل نیز به ملک الموت همین را گویند و می‌گویند: با او مدارا کن. ملک الموت به او نزدیک شده گویند: ای بنده خدا، جواز آزادی خود را گرفتی، پروانه امان و بی‌زاری از آتش را دریافت داشتی، تو در زندگی دنیا به عصمت کبری چنگ زدی. آن‌گاه خدا او را یاری دهد که گویند، آری چنین است. ملک الموت گویند: آن چیست؟ وی گویند: ولایت علی بن ابی طالب (ع). ملک الموت گویند: راست گفتی؛ از آنچه بیم می‌داشتی خداوند تو را امان داد، و به آنچه امید می‌داشتی اکنون رسیدی؛ مژده باد تو را به پیشینیان صالح، همنشین با رسول خدا (ص) و علی و فاطمه (ع) آن‌گاه جان او را به آرامی می‌گیرد.

و مورد دیگر:

ام‌سلمه - رضی الله عنها - گویند: رسول

□ بر تری علی (ع) از همه افراد بشر و روایاتی چند در این باره از جمله:

مأمون (به یکی از فقها) گفت: ای اسحاق! بهترین عمل در روزی که خداوند پیامبر خود را برانگیخت چه بود؟ گفتیم: اخلاص در گواهی (به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر (ص)) گفت: یعنی سبقت به اسلام آوردن؟ پاسخ دادم: آری. گفت: کتاب خدا هم همین را می‌گوید: بخوان و السابِقُونَ السابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ «پیشی‌گیرندگان، آری پیشی‌گیرندگان همان مقربانند»؛ و منظور پیشی‌گیرندگان به اسلام‌اند. آیا کسی را سراغ داری که در اسلام آوردن بر علی پیشی گرفته باشد؟

گفتیم: ای امیرالمؤمنین، علی در سنین نوجوانی اسلام آورد و حکم بر او روا نمی‌شود ولی ابوبکر در سنین کمال و عاقل مردی اسلام آورد و حکم بر او روا می‌گردد. گفت: بگو کدامین آنها پیشتر اسلام آورد تا بعداً درباره سن نوجوانی و میانسالی با تو مناظره کنیم؟ گفتیم: طبق این شرط، علی پیش از ابوبکر اسلام آورد. گفت: آری؛ اینک بگو هنگامی که علی اسلام آورد از دو حال بیرون نبود: یا آن است که رسول خدا (ص) او را به اسلام دعوت نمود و یا به الهام الهی اسلام آورد. من لختی سر به زیر افکندم.

خدا (ص) به علی (ع) فرمود، ای علی، دوستان تو در سه جا شادمان می‌شوند: هنگام جان دادن که تو بر بالینشان حضور می‌یابی، و هنگام سؤال در قبر که تو پاسخ را به آنان تلقین می‌کنی، و هنگام عرضه بر پیشگاه خداوند که تو در آنجا آنان را معرفی می‌نمایی.

این کتاب در مواردی با سایر کتابهای فضائل اشتراک دارد که از جمله بهره‌مندی از مباحث اجمالی از تاریخ زندگانی، سیره عملی و اخلاق فاضله آن بزرگ را می‌توان ذکر کرد.

برخی از عناوین فصلهای کتاب که آن را متمایز می‌نماید، عبارت است از:

□ پاره‌ای از اخبار عامه در حقانیت امیرمؤمنان علی (ع)

□ اشتراک علی (ع) با پیامبر (ص) در همه فضایل و یگانگی نور ایشان و پیوند نبوت با ولایت

□ ولایت علی (ع) بهترین عامل ایجاد وحدت

□ فضایل علی (ع) از زبان مخالفان

□ فضایل علی (ع) از زبان جبرئیل و نیز معصومین (ع)

□ دوستی علی (ع) اصالت دارد نه تنها جنبه طریقت

مأمون گفت: ای اسحاق، نگو به الهام الهی بود زیرا در این صورت او را بر رسول خدا(ص) مقدم داشته‌ای، زیرا رسول خدا(ص) اسلام را نشناخت مگر آن گاه که جبرئیل از سوی خدای متعال نزد او آمد. گفتم: چنین است، رسول خدا(ص) او را به اسلام دعوت نمود. گفت: ای اسحاق! آیا هنگامی که رسول خدا(ص) او را به اسلام دعوت نمود این دعوت به امر خدا بود یا این کار را به دلخواه خود کرده؟ باز لختی سر به زیر افکندم. مأمون گفت: ای اسحاق رسول خدا را به عمل به دلخواه منسوب مدار! زیرا خداوند از زبان او می‌گوید: و ما انا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ «من از اهل تکلف نیستم». گفتم: آری ای امیرالمؤمنین، او را به امر خدا دعوت نمود. گفت: آیا این از صفت خدای جبار - جل ثناؤه - است که رسولان خود را مکلف سازد به فراخوانی کسی که حکمی بر او روا نمی‌گردد؟ گفتم: پناه بر خدا! گفت: ای اسحاق! در قیاس این سخنت که علی در کودکی ایمان آورد و حکمی بر او روانی‌گردد آیا چنین می‌بینی که رسول خدا(ص) کودکان را در دعوت به اسلام به کاری فوق توانشان مکلف ساخته و چون آنها را در زمانی به اسلام فراخواند و آنان مرتد شوند و از اسلام بازگردند در این ارتداد چیزی بر آنان واجب نمی‌شود و حکم پیامبر(ص) بر آنان روا نمی‌گردد؟ آیا در نزد تو رواست که این مطلب را به خداوند نسبت دهی؟

گفتم: پناه بر خدا!

روایاتی چند درباره فرموده آن حضرت: تلونی قبل ان تَقْدُونِي (قبل از آنکه مرا از دست بدهید جواب سوالات و مشکلات خود را از من جویا شوید) و اینکه پس از امیرمؤمنان کسی بدین ادعا لب به سخن نگشود جز آنکه کارش با مشکل مواجه شد؛ از جمله:

قتاده به کوفه آمد و در مجلسی نشست و گفت: «مرا از سنتهای رسول خدا(ص) بپرسید تا شما را پاسخ دهم». گروهی به ابوحنیفه گفتند: تو برخیز و از او بپرس! ابوحنیفه برخاست و گفت: ای پسر خطاب، چه گویی درباره مردی که از همسرش غایب شده و همسرش از دواج کرده، سپس شوهر اول آمده و بر او داخل شده گوید: ای زن! با اینکه من زنده‌ام تو شوهر کرده‌ای؟! آن گاه شوهر دوم وارد شده گوید: ای زن! تو با آنکه شوهر داشته‌ای شوهر دوم کرده‌ای؟! لعان اینها چگونه باید صورت گیرد؟ قتاده پرسید: آیا چنین چیزی رخ داده؟ ابوحنیفه گفت: اگر هم رخ نداده ما خود را برای پاسخ آن آماده می‌کنیم. قتاده گفت: من این‌گونه پرسشها را پاسخ نمی‌دهم، مرا از قرآن بپرسید! ابوحنیفه گفت: این آیه که می‌گوید: «کسی که علمی از کتاب را داشت [به سلیمان] گفت:

◀ نگارنده را نظر بر این است که در این زمانه، برای نسل جدید، خوشه‌چینی از شاخسار پرثمر اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و انتقال مفاهیم قوی و سترگ جاری در شریانها و رگهای تپنده آیین پاک و جاودانه حضرت ختمی مرتبت (ص) بدون حضور فعال مؤلفین و مترجمین توانا ممکن نیست.

مؤلف محترم در تقریرات خود چند میحث را با توجه به عدم ذکر مفصل آنها در کتاب مشابه به عنوان شاخصه کتاب خویش معرفی می‌نماید که از جمله آنها می‌توان به دو مورد اشاره داشت:

□ تقسیم‌النار بودن امام علی(ع) و ولایتی که حضرتش در روز قیامت بر آتش دارد و آتش از آن سرور فرمان می‌برد همچون غلام که از مولای خود اطاعت می‌کند:

رسول خدا(ص) ضمن حدیثی طولانی فرمود:...

علی در حالی که کیدهای بهشت و دوزخ را به دست دارد پیش می‌آید تا بر بلندی دوزخ که آتش آن زیانه و زوزه می‌کشد و سخت گرم و سوزان است می‌ایستد به طوری که اختیار آن را به دست دارد. دوزخ به او گوید، ای علی، از من بگذر که نور تو شعله مرا خاموش ساخت! علی گوید: ای دوزخ، آرام گیر، این را بگیر که دشمن من است، و این را رها ساز که دوست من است! و همانا دوزخ در آن روز از غلامی حلقه به گوش در برابر علی فرمانبردار تر است، علی او را به هر طرف خواهد به راست و چپ می‌کشاند، و دوزخ در آن روز از همه آفریدگان در برابر امر و نهی علی فرمانبردار تر است.

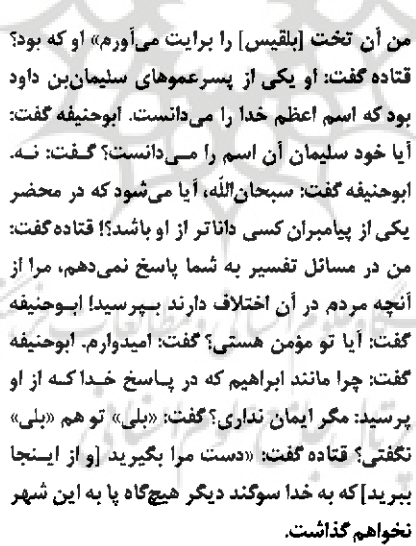
و باز در همین قسمت نقل شده است:

شریک بن عبدالله گوید، اعمش بیمار بود و من نزد او بودم که ابوحنیفه و ابن شُبْرَمَه و ابن ابی لیلی وارد شدند و گفتند: ای ابا محمد، تو در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار داری و در گذشته احادیثی درباره علی بن ابی‌طالب نقل می‌کردی، اینک از این کار خود به درگاه خدا توبه کن! اعمش گفت: مرا بنشانید! او را نشانند. پس از آن گفت: ابومتوکل ناجی از ابو سعید خدری ما را حدیث کرد که رسول خدا(ص) فرمود: چون روز قیامت شود خداوند به من و علی گوید: «بپسندید در آتش هر که شما را دشمن داشته، و درآرید به بهشت هر که شما را دوست داشته است»، و این است معنای آیه اَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَنِیْدٍ. ابوحنیفه به دیگران گفت:

برخیزید تا مطلبی سخت‌تر از این نگفته است!

□ ذکر فضایی از امیرالمؤمنین(ع) که مصدر به قسم است و موارد آن بسیار است و در ۶۰ بند ارائه گردیده است.

و ای کاش - همان طور که در سخن ناشر محترم نیز آمده - مجال بحث گسترده بود و فصلی هم درباره شرح مبارزات و مجاهدات آن حضرت گشوده می‌شد تا از این جهت نیز خواننده با بعد عظیمی از روحیه والا و عملکرد آن بزرگوار که عدالتش همچون خورشیدی



من آن تخت [بلقیس] را برایت می‌آورم» او که بود؟ قتاده گفت: او یکی از پسرعموهای سلیمان بن داود بود که اسم اعظم خدا را می‌دانست. ابوحنیفه گفت: آیا خود سلیمان آن اسم را می‌دانست؟ گفت: نه. ابوحنیفه گفت: سبحان الله، آیا می‌شود که در محضر یکی از پیامبران کسی داناتر از او باشد؟! قتاده گفت: من در مسائل تفسیر به شما پاسخ نمی‌دهم، مرا از آنچه مردم در آن اختلاف دارند بپرسید! ابوحنیفه گفت: آیا تو مؤمن هستی؟ گفت: امیدوارم. ابوحنیفه گفت: چرا مانند ابراهیم که در پاسخ خدا که از او پرسید: مگر ایمان نداری؟ گفت: «بلی» تو هم «بلی» نگفتی؟ قتاده گفت: «دست مرا بگیر» [و از اینجا بپرسید] که به خدا سوگند دیگر هیچ‌گاه پا به این شهر نخواهم گذاشت.

□ امام علی(ع) در چهار منزل از منازل آخرت

□ فریادرسی امام علی(ع) از غمزدگان و یاری

مظلومان

□ عدالت امام علی(ع)

□ عدالت امام علی(ع) در زمینه داوری و حکومت

□ آداب داوری

□ امام علی(ع) و پاسداری از حقوق مردم

□ سیاست و تدبیر امام علی(ع)

□ امام علی(ع) سید مظلومان

□ مظلومیت امام علی(ع) در زمان حیات و پس از

شهادت

□ روایات داله بر لزوم بیزاری از دشمنان امام

علی(ع) و لعن آنان

تابناک بر تارک تاریخ بشریت می‌درخشد و بدون آن مفهومی از عدالت مجسم نمی‌باشد، آشنا می‌گشت. این برگردان مجدداً در سال ۱۳۷۷ با اصلاحات جزئی به چاپ رسیده است. مطالعه این کتاب و استفاده از مطالب روحبخش آن مشام جان دوستداران مکتب حق را نوازش می‌دهد.

سخنی کوتاه در باب برگردان متون

در اینجا نکته‌ای را که به نظر نگارنده ذکر آن ضروری می‌نماید به مناسبت مقال بیان می‌داریم. آنان که در برگردان متون از زبانی به زبان دیگر کوشش بلیغ داشته‌اند، نیک می‌دانند که برگردان هر متن کاری است بس دشوار، زیرا اگرچه در وهله اول به نظر می‌رسد که مترجم فقط نیاز به دانستن زبان دوم دارد تا بتواند به این امر دست یازد ولی واقعیت آن است که وی در قدم نخست باید متن اصلی را کاملاً درک نماید؛ با اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، نگرشها و استنباطات متکلمین به آن زبان آشنایی کامل داشته باشد و پس از هضم کامل آن متن در فکر خود آن را به زبانی شیوا، روان، بدون پیچیدگی‌های مزاحم و نیز قابل فهم برای مخاطبان خاص آن (در زبان دوم) برگردان نموده و در دسترس صاحب ادراک و جویای علم قرار دهد.^۲

متأسفانه در سالهای اخیر بی‌توجهی برخی از افراد در امر برگردان متون و عدم ویرایش و پالایش صحیح آنها دست به دست هم داده نفوذ و رسوخ برخی ضرب‌المثل‌ها، عبارات و کلمات غیرمأنوس با فرهنگ ما و بعضاً نامفهوم در جامعه را موجب گشته و از همه ناپج‌تر تکرار آنها در روزنامه‌ها، مجلات و حتی صدا و سیما بر برخی از جوانان و نوجوانان این امر را مشتبه داشته که آن موارد در زبان فارسی اصالت دارد، ولی اگر ضوابطی محکم و پایدار از طرف دست‌اندرکاران امور فرهنگی برای آن تدوین یابد، امید است که به مرور زمان بهبود یابد.

نگارنده را نظر بر این است که در این زمانه، برای نسل جدید خوشه‌چینی از شاخسار پرثمر اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و انتقال مفاهیم قوی و سترگ جاری در شریانه‌ها و رگهای تپنده‌ی آئین پاک و جاودانه حضرت ختمی مرتبت (ص) بدون حضور فعال مؤلفین و مترجمین توانا ممکن نیست، به ویژه آنکه دسترسی سهل و آسان به اطلاعات مقلوب و بافته شده توسط متولیان فرهنگهای غربی (که بهره‌ای از اصالت و ریشه نداشته) در قالب و پوششی فریبنده همراه با علوم و دانشهای روز، این نسل را با احتیاج و نیازی روزافزون به

میانی اولیه تفکر صحیح مواجه ساخته است.

(* ایشان به سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در همدان متولد و در خانواده‌ای متدین پرورش یافت.

دوران مقدمات تحصیلی، ادبیات، رسائل، مکاسب، سطح فقه و اصول را نزد اساتید بزرگ همدان از جمله آیه‌الله آقا شیخ علی انصاری، آیه‌الله آقا سید مصطفی هاشمی به پایان برد. سپس نعمت خداوندی بر ایشان بارش یافت و حدوداً ۲۰ الی ۲۵ سال در محضر پرفیض و نورانی آیه‌الله‌العظمی آخوند ملاعلی معصومی همدانی (ره) به کسب معارف و درس خارج اصول، کفایتین، خارج عروه، تفسیر، اخلاقیات و... پرداخت. آخوند همدانی از اکابر و اعظام علما و از شاگردان مبارز حضرت آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس محترم حوزه مقدسه قم بود.

مؤلف محترم ابتدا در همدان و سپس بیش از ۳۰ سال در تهران اشتغال به سخنرانی و ارشاد و وعظ و همچنین تدریس داشته‌اند. اکثر سخنرانی‌ها و مناظر ایشان در شان و مقام برتر اهل بیت عصمت و طهارت - صلوات‌الله‌علیهم اجمعین - بوده همچون کتابهای ایشان شناخت و معرفی گوشه‌ای از دریای بیکران معارف، مقامات و فیوضات آن حضرات را مد نظر دارد.^۳

از تألیفات ایشان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) مقاله مفصلی درباره تکامل در سایه اهل بیت (ع)^۴
 (۲) خاطرات مرحوم آخوند ملاعلی همدانی به ضمیمه یک‌صد و بیست حدیث؛ که در این کتاب مراتب حق‌شناسی خود را نسبت به استاد خویش نشان داده‌اند.

(۳) فاطمة‌الزهراء (ع) بهجة قلب‌المصطفی (ص) به زبان عربی که دوازده توسط مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر به چاپ رسیده و ترجمه اردوی آن در پاکستان صورت گرفته و ترجمه فارسی آن نیز با نام فاطمة زهرا (ع) شادمانی دل پیامبر (ص) توسط انتشارات بدر انجام پذیرفته و تا این زمان سه بار چاپ شده است. و چاپ آن به خط بریل برای روشندان خدادوست و پیرو و شیفته اهل بیت نیز فرصت ممتنی ایجاد نموده است.

و نیز دوسری از مجموعه چهل حدیث که حاصل شرح آنها در جلسات هفتگی است توسط شاگردان ایشان گردآوری و به چاپ رسیده است.

همچنین مؤلف محترم قصد تألیف زندگینامه بقیه حضرات پنج‌تن آل عبا (ع) را دارند که با آرزوی توفیق برای ایشان امید است به زودی اقدام به چاپ زندگینامه امام حسن مجتبی (ع) (که در دست تألیف دارند) نمایند.

(* آقای حسین استادولی در سال ۱۳۳۱ در شهر تهران در خانواده‌ای متدین و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) چشم به جهان گشود.

مراحل ابتدایی تحصیلی خود را تا دوره متوسطه به پایان برد و از سال ۱۳۳۹ همراه با اشتغال به امور کسب و کار، در مدرسه

علمیه حضرت آیه‌الله حاج‌شیخ احمد مجتهدی تهرانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در آنجا و نیز در جاهای دیگر نزد اساتید دیگری چون مرحوم استاد محقق حاج سیدهاشم حسینی تهرانی صاحب تألیف رافقه و نیز آیه‌الله سیدمحمدرضا علم‌الهدی و آیه‌الله حاج شیخ محمدتقی شریعتمداری به تکمیل این علوم پرداخت و تا مرحله خارج پیش رفت و چندگاهی نیز در درس خارج برخی اساتید شرکت کرد.

از سال ۱۳۵۴ با استاد محقق استاد علی‌اکبر غفاری آشنا شد و فن تصحیح متون را از ایشان آموخت.

ایشان از ابتدای اشتغال تاکنون موفق به تصحیح، تحقیق، ویرایش و برگردان کتب مختلفی گردیده است که از جمله می‌توان از کتابهای زیر یاد کرد:^۵

(۱) تحقیق امالی شیخ مفید برنده جایزه کتاب سال ۶۳ جمهوری اسلامی ایران و ترجمه آن.

(۲) ویرایش دقیق ترجمه قرآن آقای دکتر مجتبی و ترجمه مرحوم الهی قمشاهی

(۳) ترجمه دقیق و فنی قرآن کریم که چشم به راه نشر آن هستیم.

(۴) نقدهایی چند بر ترجمه‌های معاصر قرآن کریم و... دقت فوق‌العاده در تصحیح متون و مقابله با اصل و مدرک‌یابی در جای جای کارهای فرهنگی ایشان کاملاً به چشم می‌خورد اما فراتر از آن، در این کتاب نثر روان و گفتار شیوا و برگردان صحیح و گویای متن است که نمودی چشمگیر دارد.

و آنچه که آقای استادولی در امر برگردان متون بدان اهتمام دارند همان اصالت و صحت معنی و روان بودن گفتار است همچنان که ایشان در تصحیح و ویراستاری و گردآوری و تألیف نیز روشی کاملاً دقیق، پرتلاش و روانی قلم مطابق با نیاز خواننده را تقییب می‌کنند که آرزوی توفیق هرچه بیشتر ایشان را داریم.

یادداشت

۱- محمدین شهر آشوب مازندرانی صاحب کتاب مناقب به هنگام تألیف کتاب خویش، نزدیک به هزار کتاب به نام مناقب در کتابخانه خود داشته است.

۲- هر کدام از مترجمین خوش فکر ایرانی نظراتی رهگشا در این خصوص داشته که آخرین آنها را در گفتار مرحوم استاد احمد آرام در مصاحبه تلویزیونی مفصلی که چندی قبل از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید، می‌توان یافت.

۳- جهت آشنایی بیشتر با احوالات ایشان رجوع کنید به: گنجینه دانشمندان جلد نهم.

۴- فرهنگ جامع تألیف احمد سیّاح، در بخش اعلام ماده احمد.

۵- گفتار و عاظ جلد چهارم

۶- جهت آشنایی بیشتر با احوالات ایشان رجوع کنید به:

۷- روزنامه اطلاعات ۱۶ و ۲۳ تیرماه ۱۳۷۲

۸- دانشنامه قرآن کریم ج اول.